



ادله مشروعیت عملیات استشهادی از منظر فقه امامیه

پدیدآورنده (ها): ملا محمد علی، امیر

فلسفه و کلام :: نشریه مربیان :: زمستان ۱۳۸۴ - شماره ۱۸

صفحات: از ۷۳ تا ۹۵

آدرس ثابت: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/336187>

تاریخ داندلود: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- مشروعیت عملیات استشهادی از دیدگاه فقهای معاصر شیعه و اهل سنت
- دفاع مشروع، ترور و عملیات شهادت طلبانه در مذهب شیعه
- توزیع فقر یا توزیع عدالت از دیدگاه نهج البلاغه
- بررسی علل تداوم غیبت امام زمان در دوران شکوفایی دولت های شیعی
- تحلیل تطبیقی مبانی نظری و عملی مقاومت و تروریسم حقوق و تکالیف نهضت های آزادی بخش
- بررسی و نقد دیدگاه محمد عابد الجابری درباره تشیع
- دیدگاه های مختلف جامعه شناختی درباره مسأله کارگزار و ساختار
- فلسفه فقه سیاسی از دیدگاه فلاسفه اسلامی
- نقد و معرفی: تاریخ اندیشه یا عمل سیاسی
- سقوط جنین؛ فردگرایی و جامعه گرایی
- بررسی جایگاه علمی سلامت معنوی و نقش آن در پیشگیری از بیماری ها: یک مطالعه مقدماتی
- بررسی تطبیقی حقوق کودک در قرآن و کنوانسیون حقوق کودک

عناوین مشابه

- بررسی مشروعیت خرید دین (تنزیل اسناد و اوراق تجاری) در بانکداری اسلامی از منظر فقه امامیه
- توصیف فقهی ادله روایی اجتهاد در تعیین جهت قبله از منظر فقه امامیه
- ادله صحت بیع معاطات از منظر فقه امامیه با تأکید بر آراء امام خمینی
- مسئولیت انگاری ناشی از عملیات ورزشی از منظر حقوق مدنی و فقه امامیه
- تروریسم از منظر بنیادگرایان اسلامی رادیکال و فقه سیاسی شیعه؛ با نگاهی به عملیات های استشهادی
- مشروعیت «مالیات بر خانه های لوکس» از منظر فقه امامیه
- بررسی حکم وضعی و تکلیفی کلاهبرداری از منظر فقه امامیه با تأکید بر آیات قرآن کریم
- حکم ربا از منظر فقه امامیه
- قلمرو و آثار شرط عدم مسئولیت از منظر فقه امامیه
- تحلیل تطبیقی قاعده ی «قیح عقاب بلا بیان» و اصل «جهل به قانون رافع مسئولیت نیست» از منظر فقه و حقوق امامیه

ادله مشروعیت عملیات استهادی از منظر فقه امامیه

دکتر امیر ملامحمدعلی
استادیار مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی

چکیده

یکی از روشهای دفاعی که مجاهدان مسلمان در چند دهه اخیر علیه متجاوزین به کشورهای اسلامی به کار گرفته‌اند، عملیات شهادت طلبانه است. این نوع عملیات با توجه به اهمیت حفظ نفس زمانی به کار می‌رود که با شیوه‌های دفاعی متعارف دفع تجاوز ممکن نباشد. اطلاق آیات و روایات جهاد دفاعی و ارجحیت و اهمیت دفاع بر حفظ نفس و جواز کشتن متّرس، دلیل جواز و مشروعیت این نوع عملیات است. مرجع تشخیص جواز آن رهبر شرعی است و ایشان براساس نظر کارشناسان و اهل خبره به انجام این نوع عملیات حکم می‌کند.

عملیات شهادت طلبانه ملاک جهاد و دفاع را دارد و مصداقی از جهاد دفاعی است و از این رو با انتحار و عملیات انتحاری علیه انسانهای بی‌گناه متفاوت است و ادله حرمت قتل نفس منصرف از آن است.

کلید واژه: عملیات شهادت طلبانه، دفاع، جهاد، شهید، شهادت، انتحار، عملیات انتحاری، متّرس

مقدمه

اصل دفاع از دین، کشور، جان، ناموس، آبرو و مال از اصول بدیهی و روشن است و دلایل عقلی، نقلی و فطری بر اثبات آن وجود دارد؛ اما ابزار و تاکتیکهای دفاعی گوناگون است و در زمانهای

مختلف با توجه به شرایط و توانایی دفاعی هر ملتی تغییر می‌کند. فقها در بحث دفاع معتقدند اگر مسلمانان مورد تجاوز و هجوم دشمن قرار گیرند و اساس اسلام و مسلمین در معرض خطر قرار گیرد، بر مسلمانان واجب است با هر وسیله‌ای از خود دفاع کنند.^۱

کشورهایی که از ابزار و فناوری پیشرفته دفاعی برخوردارند، در صورت تجاوز و هجوم دشمن از آن ابزار برای دفع تجاوز سود می‌برند؛ اما اگر ملتی مورد تجاوز قرار گیرد و از تجهیزات دفاعی متعارف و معمول بی‌نصیب باشد، طبیعی است که ساکت نمی‌نشیند و چاره می‌اندیشد و اگر بتواند با ابزار و شیوه‌های دفاعی غیر معمول مانند عملیات شهادت‌طلبانه به دشمن متجاوز ضربه وارد کند، به آن رو می‌آورد.

در ربع قرن اخیر مجاهدان مسلمان در برخی از کشورهای اسلامی مثل لبنان و فلسطین که مورد تجاوز دشمنان قرار گرفته‌اند، به علت نداشتن تجهیزات دفاعی لازم، از این نوع عملیات برای دفع تجاوز و اشغالگری سود برده‌اند. با توجه به اینکه در این نوع عملیات مجاهد مسلمان به دست خود کشته می‌شود، سؤالاتی درباره‌ی جواز و مشروعیت این نوع عملیات مطرح است. برخی فقهای اهل سنت توجیهاات و استدلالاتی بر جواز آن آورده‌اند، ولی در این مقاله سعی بر این است که با مراجعه به آیات، روایات، منابع فقهی و اقوال فقهای شیعه، ادله مشروعیت عملیات شهادت‌طلبانه علیه دشمنان متجاوز و اشغالگر از دیدگاه فقه امامیه بررسی شود.

پیش از پرداختن به ادله مشروعیت لازم است توضیحی درباره تفاوت عملیات استشهادی با انتحار و عملیات انتحاری ارائه شود.

تفاوت عملیات شهادت‌طلبانه و انتحار

کسی که برای نخستین بار و بدون تأمل و بررسی به عملیات شهادت‌طلبانه می‌نگرد، شباهتی بین آن و انتحار می‌بیند؛ زیرا شخصی که این نوع عملیات را انجام می‌دهد، خود را نیز همراه دشمنان متجاوز می‌کشد و در انتحار نیز فرد به دست خود کشته می‌شود، در حالی که حقیقت غیر از این است و بین عملیات استشهادی و انتحار تفاوت اساسی وجود دارد.

مخالفان عملیات شهادت‌طلبانه، این عملیات را نوعی انتحار می‌دانند و می‌گویند انتحار و خودکشی در اسلام نهی شده است و ادله قرآنی^۲، روایی^۳، عقلی^۴ بر حرمت آن وجود دارد. پس این نوع عملیات، خودکشی و حرام است.

اینک، در پاسخ به مخالفان، ابتدا معنای انتحار و عملیات استشهادی را بیان می‌کنیم و سپس به بیان تفاوت آنها و ذکر اقوال برخی فقهای معاصر در این باره می‌پردازیم.

«انتحار» در لغت به معنای خودکشی است^۵ و در اصطلاح شرع عبارت است از اینکه کسی برای حرص دنیوی و طلب مال و یا در حالت غضب و ضجر به قصد خودکشی، خود را بکشد^۶. به طور کلی اگر انسان برای یک امر دنیوی و با قصد خودکشی بدون اینکه توجیه شرعی یا عقلی داشته باشد، خود را از میان ببرد و در واقع دست به انتحار زده و خودکشی کرده است.

عملیات استشهادی روش جدیدی برای مقاومت و رویارویی با دشمن (متجاوز و اشغالگر) است که با وسایل و ابزار جدید کشنده، که در گذشته معمول نبوده، انجام می‌شود و مجری آن یقین یا ظن غالب دارد که خود نیز در جریان عملیات به شهادت می‌رسد.^۷

کسی که دست به انتحار می‌زند، قصد و انگیزه الهی ندارد و در مقام دفاع از ایمان و اعتقاد دینی نیست؛ بلکه عمل او نشانه بی‌ایمانی یا ضعف ایمان است و با اقدام به خودکشی گناه کبیره مرتکب می‌شود و به عذاب الهی گرفتار می‌گردد.^۸

عملیات شهادت‌طلبانه علیه دشمنان متجاوز و اشغالگر یک عمل جهادی و روش دفاعی است و مجاهد مسلمان برای آسیب زدن به متجاوزان و اشغالگران و برای دفاع از دین، وطن و ناموس خود به این عملیات روی می‌آورد.

درست است که در انتحار و عملیات شهادت‌طلبانه فرد خود را می‌کشد و در ظاهر بین این دو شباهت وجود دارد، ولی شرع بین حکم دو چیز که در ظاهر همانندی دارند و در نیت و قصد و هدف متفاوت اند، فرق می‌گذارد. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَ لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى»^۹ مثلاً اگر کسی قرض بدهد و قرض کننده در زمان پرداخت مقداری اضافه بازگرداند، بدون اینکه از قبل شرط شده باشد، این کار جایز است؛ ولی اگر شرط شده باشد که مقداری اضافی بدهد، آن مقدار اضافی ربا و حرام است. یا اگر امام جماعت به قصد ربا نماز بخواند، نماز امام باطل ولی نماز مأموم صحیح است.

در عملیات شهادت‌طلبانه نیز اگر مجری عملیات به قصد و نیت اعتلای کلمه حق و با هدف دفع تجاوز و اشغالگری از بلاد اسلامی مبارزه کند و کشته شود، شهید است؛ ولی اگر جز به این قصد و هدف خود را بکشد، منتحر است و عمل حرامی را مرتکب شده است. پس ملاک در تغییر حکم دو امر مشابه، نیت، قصد و هدف فاعل آن است.

دقت در عملیات شهادت‌طلبانه نشان می‌دهد که این رفتار هم از جهت قصد و انگیزه و هم از جهت هدف و غایت و هم از نظر آثار و پیامدها، با انتحار تفاوت اساسی دارد، غفلت از اختلاف اساسی که میان این دو رفتار و عاملان آن وجود دارد، سبب شده است که عده‌ای این عمل مقدس و

ارزشمند و ایثارگرانه را با انتحار و خودکشی اشتباه گیرند. اینک اقوال بعضی فقهای معاصر شیعه را درباره تفاوت انتحار و عملیات استشهادی بیان می‌کنیم.

علامه سید محمد حسین فضل الله می‌گوید: «برخی درباره عملیات استشهادی به آیه‌ای از قرآن اشاره می‌کنند که می‌گوید: «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ [خود را یا دست خود به هلاکت می‌فکنید.] گمان می‌کنند که هر عملیاتی که انسان می‌داند در جریان آن کشته می‌شود. عملیات انتحاری و در اسلام حرام است؛ در حالیکه در امور فردی و شخصی، به هلاکت افکندن خود حرام است و نه در جهاد. اساس جهاد بر این است که انسان در معرض خطر و کشته شدن قرار گیرد. بنابراین، اگر ولی امر نیاز روز و تحقق اهداف را در گرو عملیات استشهادی بیند و پیروزی اسلام و مسلمانان را در گرو این بداند که مجاهدان خود را میان دشمن (متجاوز) منفجر کنند، مسئله عنوان و شکل جهاد به خود می‌گیرد.»^{۱۰}

آیت الله نوری همدانی عملیات استشهادی را نوعی جهاد دانسته، می‌گوید: «جهاد در راه خدا با خودکشی موضوعاً و حکماً فرق دارد.»^{۱۱} آیت الله مؤمن درباره تفاوت عملیات استشهادی با انتحار می‌گوید: «انتحار خودکشی بی جهت شرعی (بدون دلیل و مجوز شرعی) است و عملیات استشهادی ملاک جهاد را دارد.»^{۱۲} آیت الله گرامی می‌گوید: «خودکشی معنای عام دارد؛ لیکن وقتی به هدف اعلای دفاع و جهاد انجام می‌شود، حالت تقدس پیدا می‌کند و عنوان استشهاد به خود می‌گیرد و موجب انصراف ادله حرمت قتل نفس از آن می‌گردد.»^{۱۳} آیت الله نمازی در این باره می‌گوید: «انتحار به معنای عرفی و رایج آن خودکشی است و دارای بار ارزشی نیست. عملیات استشهادی عبارت است از قیام جهت مقابله با انهدام مراکز و نیروهای دشمن متجاوز علیه اسلام و مسلمین است که یک حرکت ارزشی و مقابله با ظالم و متجاوز است.»^{۱۴}

نظریه‌های فقها بیانگر این است که انتحار، مسئله‌ای است شخصی و القاء در تهلکه و فاقد ارزش و ملاک دفاع است و ادله حرمت قتل نفس شامل آن می‌شود؛ ولی عملیات استشهادی دارای ملاک دفاع و یک عمل جهادی و مقدس است و ادله حرمت قتل نفس منصرف از آن است.

عملیات انتحاری ۱۵

در عصر حاضر انواع عملیات انتحاری در سراسر جهان به صورت سازماندهی شده و یا بدون سازماندهی و با انگیزه‌های گوناگون انجام می‌شود. این نوع عملیات در صورتی که علیه دشمنان متجاوز و اشغالگر و با هدف دفع تجاوز از بلاد اسلامی صورت پذیرد، همان عملیات

شهادت طلبانه است؛ ولی با عنوان دیگری از آن یاد می‌شود. و اگر علیه شهروندان و انسانهای بی گناه انجام شود، یکی نوع انتحار و خودکشی است و از آن گونه اعمال تروریستی است که فقهای اسلام به ویژه فقهای شیعه آن را حرام می‌دانند و ادله حرمت قتل نفس شامل آن می‌شود؛ مانند عملیات سازمان مجاهدین (منافقین) خلق علیه اهداف دولتی و شهروندان ایرانی در ربع قرن اخیر و آنچه برخی مسلمانان افراطی و کج اندیش علیه دیگر مسلمانان اهل سنت و شیعه انجام داده‌اند همچون عملیات انتحاری علیه احمد شاه مسعود فرمانده مجاهدان افغانی و عملیات انتحاری علیه زائرین امام حسین (ع) و زائران دیگر عتبات عالیات و بعضی اعمال انتحاری دیگر در پاکستان علیه شیعیان و عملیات انتحاری علیه شهروندان و انسانهای بی گناه دیگر در برخی از کشورهای مسلمان و غیر مسلمان. این گونه اعمال انتحاری و تروریستی فاقد ملاک جهاد دفاعی است و چیزی جز انتحار و خودکشی و ترور و کشتار مردم بی گناه نیست و لذا از نظر اسلام جایز نیست و حرام است و باعث تفرقه میان مسلمانان شیعه و اهل سنت و وهن اسلام و مسلمین در سراسر جهان می‌شود و آثار منفی و زیانباری برای جهان اسلام به دنبال خواهد داشت.

ادله مشروعیت عملیات استشهادی

الف. ادله قرآنی

از اطلاق برخی آیات قرآن که درباره جهاد و دفاع بیان شده است، می‌توان بر جواز عملیات استشهادی علیه دشمنان متجاوز و اشغالگر استدلال کرد. اینک به مواردی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ.

در برابر دشمنان آنچه توانایی دارید از «نیرو» آماده سازید و همچنین اسبهای ورزیده، تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید.

ابن براج و برخی فقهای دیگر آیه مذکور را به عنوان یکی از ادله جهاد و دفاع بیان کرده‌اند.^{۱۷}

این آیه به مسلمانان امر می‌کند که هر قدر توان دارند از نیروی انسانی و ادوات جنگی

تدارک بینند و در برابر دشمنان همواره مهیا و آماده باشند.^{۱۸}

برخی روایات «قوه» را به فراهم کردن اسلحه، شمشیر و سپر، خضاب بستن به رنگ سیاه، تیراندازی، اسب سواری و دیگر معانی معنا کرده‌اند؛ ولی این روایات نمی‌خواهند شأن نزول آیه

را بیان کنند، بلکه صرف مصداق آن را نام می‌برند.^{۱۹} روشن است که این روایات بیانگر برخی مصادیق قوه‌اند که با عصر نزول آیه و صدور روایات متناسب است.

در تفسیر نمونه ذیل آیه مذکور آمده است:

این آیه به یک اصل حیاتی که در هر عصر و زمان باید مورد توجه مسلمانان باشد اشاره می‌کند. و آن لزوم آمادگی رزمی کافی در برابر دشمنان است. در اول آیه در یک جمله کوتاه «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه» یک اصل اساسی در زمینه جهاد اسلامی و حفظ موجودیت مسلمانان و مجد و عظمت و افتخارات آنان، بیان شده است، و تعبیر آیه به قدری وسیع است که بر هر زمان و مکانی تطبیق می‌کند. کلمه قوه نه تنها وسایل جنگی و سلاحهای مدرن هر عصر را در بر می‌گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرتهایی را که به نوعی از انواع در پیروزی بر دشمن اثر دارد شامل می‌شود، اعم از نیروهای مادی و معنوی.^{۲۰}

با توجه به معنا و مفهوم وسیعی که کلمه «قوه» دارد، می‌تواند دارای مصادیق گوناگون و با هر عصر و زمانی مناسب باشد. در صورت تهاجم و تجاوز به بلاد اسلامی و عدم امکان دفع تجاوز با ابزار و وسایل دفاعی معمول، به نظر می‌رسد عملیات شهادت طلبانه با توجه به تأثیر جانی، روانی و مالی که بر دشمن دارد، می‌تواند مصداقی از قدرت و توانایی برای دفع تجاوز یا جلوگیری از گسترش تجاوز دشمن باشد. کسانی که می‌پندارند تنها راه دفع تجاوز و اشغالگری و کسب استقلال برتری تجهیزات جنگی است، در اشتباه‌اند. چه بسا با کمبود ادوات جنگی، ولی با برخورداری از نیروهای ایثارگر و شهادت طلب بتوان تجاوز را دفع نمود. و ما شاهد نمونه‌هایی از آن در دوران اخیر بوده‌ایم.^{۲۱}

بنابراین، علاوه بر اینکه باید در تهیه پیشرفته‌ترین سلاحهای هر زمان و به کارگیری آنها در صورت نیاز به عنوان یک وظیفه قطعی اسلامی کوشید، باید به تقویت روحیه ایمان رزمندگان پرداخت که قوه و نیروی مهم‌تری هستند. از قدرتهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی که آنها نیز در مفهوم «قوه» مندرج هستند و نقش بسیار مؤثری در پیروزی دارند نیز نباید غفلت کرد. پس وجود نیروهای مؤمن و شهادت طلب برای انجام عملیات شهادت طلبانه مصداقی از قدرت و توانایی است و کلمه «قوه» شامل آن نیز می‌شود.

غیر از «قوه» که شامل عملیات شهادت طلبانه می‌شود، علت و هدفی که در آیه برای کسب آمادگی دفاعی بیان شده نیز می‌تواند دلیل بر جواز عملیات شهادت طلبانه باشد. «علامه طباطبایی می‌گوید: «این قسمت از آیه شریفه ترهبون به عدو الله و عدوكم در مقام بیان علت جمله (و اعدوا لهم ما

استطعتم من قوه) می باشد، و معنایش این است که این قوا و امکانات دفاعی را تدارک ببینید تا به وسیله آن دشمن خدا و خود را ترسانیده، از آنان زهر چشم گرفته باشید. ارهاب و ترسانیدن دشمن از اغراض صحیح‌های است که فواید بزرگی بر آن مترتب می شود، گرچه غرض حقیقی از تهیه نیرو این است که به قدر توانایی خود بتوانند دشمن را دفع نمایند و جامعه خود را از دشمنی که جان و مال و ناموس‌شان را تهدید می کند، حفظ نمایند. خلاصه اینکه تجهیز قوا برای دفاع از حقوق جامعه اسلامی و منافع حیاتی آن است و تظاهر به این تجهیزات دشمن را می ترساند و این خود تا اندازه‌ای و به نوعی یک نحوه دفاع است.»^{۲۲}

تفسیر نمونه نیز علت و هدف نهایی تهیه سلاح و افزایش قدرت دفاعی را ترساندن دشمن خدا و دشمن خود می داند.^{۲۳}

میرزای قمی نیز جمله «ترهبون به عدو الله و عدوكم» را علت جمله «و اعدو لهم...» می داند و می گوید: «یعنی این کار را بکنید از برای اینکه بترسانید دشمن خدا و دشمن خود را. پس هر چه به آن ترساندن حاصل شود خوب است.»^{۲۴}

علتی که در آیه مذکور برای کسب آمادگی دفاعی ذکر شده است، بر جواز عملیات استشهادی دلالت می کند، زیرا هدف از این نوع عملیات ایجاد رعب و ترس در دشمن و سلب امنیت از اوست تا بدین وسیله مجبور به ترک تجاوز و اشغال گردد.

۲. **إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِمْ حَقًّا فِي التَّوَارِثِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبِشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.**^{۲۵}

خداوند از مؤمنان جانها و اموالشان را می خرد تا [در برابرش] بهشت برای آنان باشد [به این گونه که] در راه خدا جهاد می کنند، می کشند و کشته می شوند. این وعده حقی است برای او که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟ اکنون بشارت باد بر شما به داد و ستدی که با خدا کرده‌اید، این پیروزی بزرگی است.

برخی فقها مثل سید علی طباطبایی^{۲۶} و ابن براج^{۲۷} آیه مذکور را یکی از ادله جهاد و دفاع دانسته‌اند.

در این آیه مقام والای مجاهدان با ایمان، با ذکر مثال جالبی بیان شده است. در این مثال خداوند خود را خریدار و مؤمنان را فروشنده معرفی کرده و می فرماید، خداوند از مؤمنان جانها

و اموالشان را می خرد و در برابر این متاع، بهشت را به آنان می دهد. در هر معامله، در حقیقت پنج رکن اساسی وجود دارد که عبارت اند از: خریدار، فروشنده، کالا، قیمت و سند معامله. خداوند در این آیه به تمام این ارکان اشاره کرده است؛ ولی گونه پرداخت متاع (جانها و اموال) را با تعبیر لطیفی چنین بیان می کند: آنان در راه خدا پیکار می کنند، و دشمنان حق را می کشند و یا در این راه کشته می شوند و شربت شهادت می نوشند.^{۲۸}

آیه مذکور گواه است بر اینکه کالایی که مؤمن باید ببخشد تا استحقاق بهشت را پیدا کند، جان است. این بخشش جان در عملیات استشهادی، نمودی روشن تر دارد؛ زیرا هر مؤمن و مجاهدی که به جبهه جهاد فی سبیل الله رود، آرزو می کند که به سوی اهل و عیال خود باز گردد؛ ولی مؤمن و مجاهدی که برای عملیات استشهادی حرکت می کند، امیدی به برگشت ندارد.

با توجه به تفسیری که بیان شد، می توان نتیجه گرفت که اطلاق آیه «اشترء» هم شامل کسی است که به قصد قربت و بهشت به میدان جهاد و دفاع گام می نهد و به دست دشمن شهید می شود، و هم شامل کسی است که به قصد قربت و برای دفع تجاوز از اسلام و مسلمین وارد میدان مبارزه با دشمن می شود و به عملیات شهادت طلبانه می پردازد و خود نیز در این بین به شهادت می رسد؛ زیرا هر دو با خداوند عهد و پیمان می بندند تا جان و مال خود را با بهشت جاویدان عوض کنند.

۳. وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ أُتْبَعًا لِّمَرْضَاتٍ آللِهِ وَاللَّهُ زُؤُفٌ بِآلْعِبَادِ.^{۲۹}

بعضی از مردم جان خود را در برابر خشنودی خدا می فروشند و خداوند به بندگانش مهربان است.

آیه مذکور در شأن علی (ع) نازل شده است هنگامی که در بستر پیامبر (ص) آرامید.^{۳۰} گرچه این آیه در شب هجرت پیامبر خدا (ص) درباره علی (ع) نازل گردیده است، ولی مثل دیگر آیات قرآن یک حکم کلی و عمومی را بیان می کند و آن عبارت از این است که دسته ای از مردم مؤمن و فداکار با خداوند معامله می کنند و هر چه دارند حتی جان خود را به او می فروشند و جز رضای او چیزی خریدار نیستند و عزت و آبرویی جز به واسطه خدا برای خود قائل نیستند و با فداکاریهای اینان است که دین و دنیا اصلاح می شود و حق و حقیقت زنده و پایدار می ماند و زندگی انسان گوارا و درخت اسلام بارور می گردد. این دسته از مردم در برابر جانبازی خود نه نظری به بهشت دارند و نه ترسی از دوزخ - اگرچه هر دو مهم است - بلکه تمام توجه آنان به خشنودی پروردگار است. این بالاترین معامله ای است که انسان ممکن است انجام دهد.^{۳۱}

چنان که اطلاق آیه بر علی (ع) که برای نجات پیامبر اسلام (ص)، جان خود را به خطر

انداخت و بر دیگر انسانهای مؤمن و فداکار که برای رضایت پروردگار جان خود را ایثار می‌کنند، صدق می‌کند، بر جوانان مسلمان و فداکار که برای دفاع از اسلام و مسلمین و دفع تجاوز از بلاد اسلامی دست به انجام عملیات شهادت طلبانه می‌زنند، نیز صدق می‌کند. آنان نیز برای ضربه زدن به دشمنان اسلام و دفع تجاوز و اشغالگری به این نوع عملیات روی می‌آورند و در این میان جان خود را از دست می‌دهند و با این عمل ایثارگرانه رضایت خداوند متعال را فراهم می‌کنند.

ب. ادله روایی

روایاتی در باب جهاد و دفاع در کتب فقهی شیعه آمده است که از اطلاق آنها می‌توان بر جواز عملیات استشهادی علیه متجاوزان و اشغالگران بلاد اسلامی استناد کرد. در اینجا به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم.

۱. پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید:

فَوْقَ كُلِّ ذِي يَرْبُؤُا حَتَّى يَمُوتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرْ.^{۳۲}

بالتر از هر عمل نیکی، عمل نیکویی دیگری است مگر شهادت در راه خدا که بالاتر از آن هیچ عمل نیکویی نیست.

روایت مذکور صحیح است و صاحب ریاض آن را به عنوان یکی از ادله جهاد و دفاع بیان کرده است. مسلمانان با شنیدن چنین بیاناتی از پیامبر اسلام (ص) برای رسیدن به برترین نیکیها، که شهادت و جان دادن در راه خداوند است، از یکدیگر سبقت می‌گرفتند. نمونه‌های فراوانی از این جانبازیها در صدر اسلام مشاهده می‌شود. مجاهدان مسلمان نیز برای ضربه زدن به دشمن متجاوز و دفع تجاوز آنها به عملیات استشهادی روی می‌کنند و جان خود را در راه خدا می‌دهند. شهادت در این نوع عملیات می‌تواند مصداقی از جانبازی در راه خدا باشد. پس عمل دفاعی شهادت طلبان جایز و مشروع است.

۲. ابوبصیر می‌گوید: به امام صادق (ع) گفتم: «أَيُّ الْجِهَادِ أَفْضَلُ؟» فرمود: «مَنْ عَفَرَ جَوَادَةً وَ

أَهْرَيْقَ دَمَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.»^{۳۳}

برترین جهاد آن است که اسب آن کس که جهاد می‌کند پی شود و خون او در راه خداوند به زمین ریخته شود.

این روایت نیز صحیح است. در عملیات استشهادی نیز مجاهد مسلمان در حین عملیات علیه دشمنان متجاوز، خود و وسیله‌اش را در راه خدا می‌دهد. در آن زمان یکی از وسایل جنگی اسب بود و در این زمان از وسایل و ابزار دیگر استفاده می‌شود. آنچه در جهاد دفاعی ملاک و معیار است، دفاع از اسلام و مسلمین و جان دادن در راه خداوند است. و این دفاع و جان دادن می‌تواند دارای مصادیق گوناگون باشد. شاید بتوان گفت که عملیات استشهادی برای مجاهدان مسلمان، که ابزار دفاعی معمول و مناسب ندارد، بهترین نوع جان دادن در راه خدا است؛ زیرا در دیگر روشهای دفاعی احتمال زنده ماندن هست، ولی در این نوع عملیات شهادت قطعی است.

۳. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید:

مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ قَطْرَةٍ دَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. ۳۴

محبوب‌ترین قطره نزد خدای سبحان قطره خونی است که در راه خدا بر زمین ریخته شود.

روایت مذکور صحیح است و برخی فقها آن را به عنوان یکی از ادله جهاد و دفاع ذکر کرده‌اند. ۳۵ کسی که عملیات استشهادی انجام می‌دهد، خون خود را در راه خدا ایثار کرده است. پس چنین فردی محبوب خداوند است. مصاحبه‌ها و وصیت‌نامه‌های شهادت‌طلبان و رفتار آنان گواه بر این ایثارگری است.

۴. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید:

مَنْ قُتِلَ دُونَ مَظْلَمَةٍ فَهُوَ شَهِيدٌ ۳۶، مَنْ قُتِلَ دُونَ عِيَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ ۳۷، مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ الشَّهِيدِ ۳۸.

هر کس که در برابر ظلم و در دفاع از خانواده، مال، جان و دینش کشته شود، شهید است.

اولیای دین نه تنها مردم را به دفاع از ایمان و اعتقاد و ارزشهای دینی دعوت می‌کنند، بلکه دفاع از جان، دین، اهل و عیال و مال را نیز لازم می‌دانند، حتی پذیرش خطر جانی را در راه دفاع از دین، مال و ناموس را نیکو شمرده، کسی را که در این راه کشته شود، شهید می‌خوانند.

مجاهدان مسلمان که در عملیات استشهادی شرکت می‌جویند و جان خود را در راه دفاع از جان، مال و ناموس مسلمین فدا می‌کنند، از مصادیق احادیث مذکورند و شهید محسوب می‌شوند.

ج. دلیل عقلی

اهمیت و ارجحیت دفاع بر حفظ نفس (قاعدهٔ اهم و مهم)

از مباحث فقهی اصولی، بحث تراحم است. تراحم عبارت است از: هرگاه دو حکم (دو قانون) فعلیت داشته و تصادفاً بر عهدهٔ مکلف قرار گرفته باشند و امکان نداشته باشد که مکلف هر دو را با هم امتثال کند، گویند بین آن دو تراحم است و آن را «حکمین متراحمین» خوانند.^{۳۹}

دو حکم شرعی که با یکدیگر متراحم می‌شوند، صور مختلفی دارند. یکی از صور این است که تراحم بین دو واجب باشد. در صورتی که یکی از آن دو واجب بر دیگری رجحان داشته باشد، مکلف باید به واجب راجح و اهم عمل کند. این یک حکم عقلی است.^{۴۰}

اسلام هم دفاع از ناموس، وطن و دین را در مقابل متجاوزان و دشمنان واجب می‌داند^{۴۱} و از طرف دیگر حفظ نفس و جان را واجب شمارد.^{۴۲}

مجاهدان مسلمانی که سرزمینشان مورد تجاوز و اشغال قرار گرفته و برای دفع تجاوز و ضربه زدن به دشمن، نیازمند انجام عملیات شهادت طلبانه‌اند، با دو واجب مواجه می‌شوند:

یکی دفاع از ناموس، کشور و دین و دیگر، حفظ جان. با توجه به اینکه مصلحت و اهمیت دفاع از ناموس، وطن و دین یک مصلحت نوعی و اجتماعی است و این مصلحت نوعی اهم و ارجح از حفظ جان و نفس است که یک مصلحت شخصی و فردی است، دفاع را مقدم می‌کنند و علیه اشغالگران و متجاوزان دست به عملیات شهادت طلبانه می‌زنند و در این راه جان خود را فدا می‌کنند. همین ارجحیت و اهمیت دفاع بر حفظ نفس، که از مرجحات باب تراحم است، دلیل عقلی بر جواز انجام عملیات شهادت طلبانه است و شرع نیز مؤید آن می‌باشد.

د. جواز کشتن متترّس

«تترّس» در لغت یعنی چیزی را سپر قرار دادن^{۴۳} و در اصطلاح عبارت است از اینکه یکی از دو گروهی که در حال جنگ هستند، بین خود و دشمن مقابل شماری از مردم بی‌گناه را سپر قرار دهد تا بدین وسیله خود را از خطر حفظ کند و یا مانع تهاجم دشمن شود.^{۴۴}

فقه‌های اسلام در باب جهاد بحنی دارند که اگر دشمن در جنگ با مسلمانان گروهی از اسیران مسلمان یا شماری از زنان، کودکان و افراد سالخورده را که خونشان محترم است، سپر قرار دهند به طوری که غلبه و پیروزی بر دشمنان بدون کشتن این افراد امکان‌پذیر نباشد، آیا مجاهدان مسلمان مجاز هستند برای شکست دشمن این افراد بی‌گناه را بکشند؟

فقها به این سؤال پاسخ مثبت داده‌اند؛ ولی برخی جواز قتل چنین افرادی را اتفاقی می‌دانند. گرچه در فروعات مسئله اختلافاتی وجود دارد، اما اصل فتوا به جواز مورد اتفاق است. برخی از فقها در صورت شعله‌ور شدن جنگ این کار را جایز می‌دانند. و برخی در صورتی که پیروزی و غلبه بر دشمن متوقف بر کشتن چنین افرادی باشد جایز می‌شمارند. بعضی دیگر در صورت ضرورت، کشتن چنین افرادی را جایز می‌دانند.

اکنون اقوال برخی فقهای شیعه را به عنوان نمونه بیان می‌کنیم و سپس کیفیت استدلال بر جواز عملیات استشهادهای را توضیح خواهیم داد. علامه حلی درباره سیر قرار دادن کودکان و زنان می‌گوید:

لو تترس الكفار نسائهم و صبيانهم فان كانت الحرب ملتحة، جاز قتلهم، و لا يقصد قتل الصبي و لا المرأة، بل قتل من خلفهم. ۴۵

اگر کفار زنان و کودکان را سیر قرار دهند، اگر جنگ شعله‌ور شده است، کشتن آنها جایز است [البته] نباید کشتن کودک و زن قصد شود؛ بلکه کشتن کسانی که پشت سر آنها هستند قصد می‌شود. محقق اردبیلی می‌گوید:

و دليل جواز قتل الترس من النساء و الصبيان و المسلمين من عدم امکان التحرز و عدم الذب و الدفع الا به ظاهر. ۴۶

کشتن زنان و کودکان و مسلمانانی که توسط دشمن سیر قرار داده می‌شوند جایز است به شرط اینکه امکان دفع و منع دشمن به غیر آن نباشد.

آیت الله خوئی درباره جواز قتل ترس می‌گوید:

لو تترس الا عداه بهم جاز قتلهم اذا كانت المقاتلة معهم او الغلبة عليهم متوقفة عليه. ۴۷
اگر دشمنان این افراد را سیر قرار دهند، کشتن آنان جایز است. البته در صورتی که جنگیدن با کفار و غلبه بر آنها متوقف بر کشتن این کسان باشد.

امام خمینی (ره) در پاسخ به این سؤال که: «اگر نیروهای باطل عده‌ای از مسلمانان از قبیل زنان، کودکان و پیرمردان را سیر قرار دهند، برای نبرد با دشمن آیا کشتن مسلمانان مذکور جایز است یا خیر؟» می‌گوید:

اگر دفاع از اسلام و مسلمین و سرکوب کردن مهاجمین متوقف بر آن باشد جایز است. ۴۸

کیفیت استدلال بر جواز عملیات استشهدادی

پس از نقل اقوال فقهای شیعه درباره «تترس» اکنون این سؤال مطرح است که از جواز قتل مسلمانان اسیر، زنان، کودکان و سالخوردهگان، که کفار و دشمنان آنان را در مقابل سپاه اسلام سیر قرار داده‌اند، چگونه می‌توان بر مشروعیت عملیات استشهدادی استدلال کرد؟

فقه در مباحث فقهی به ویژه در باب قصاص مسئله‌ای را مطرح کرده‌اند که اگر شخصی را تهدید کنند که به فردی گناهی ضرر مالی یا جانی وارد کند، آیا شخص مکروه (اکراه شده) مجاز است به این کار تن دهد؟

فقه در پاسخ گفته‌اند: اگر او را به قتل تهدید کنند که به دیگری ضرر مالی بزند و یا او را مجروح کند، مانعی ندارد که با وجود اکراه به آن عمل تن دهد؛ ولی اگر از او (مکروه) بخواهند دیگری را به قتل برسانند، او حق ندارد برای حفظ جان خود دیگری را بکشد. حتی اگر فردی اذن کشتن خود را به شخص دیگری بدهد و او را تهدید کند که اگر مرا نکشی تو را می‌کشم، باز شخص مکروه حق ندارد آن فرد مکروه (اکراه کننده) را بکشد؛ زیرا اذن مکروه رفع حرمت قتل نفس محترمه را نمی‌کند.^{۴۹}

اکنون این سؤال مطرح است که آیا از مطلب مذکور نمی‌توان استفاده کرد که حرمت جان دیگری از حرمت جان خود انسان بیش‌تر است؟ اگر بتوان چنین معنایی را برداشت کرد، این سؤال مطرح می‌شود که: آیا نمی‌توان از جواز کشتن افراد سیر قرار داده شده در فرض مذکور در مسأله تترس، جواز کشتن خود را در عملیات استشهدادی برای رسیدن به هدفی برتر استفاده کرد؟

اگر انسان مجاز است در شرایط خاصی برای ضربه زدن به دشمن و غلبه بر او، مسلمانان اسیر و افرادی بی‌گناه سیر قرار داده شده را به قتل برسانند، چرا مجاز نباشد علیه دشمن متجاوز و اشغالگر دست به عملیات استشهدادی بزند و خود را فدا کند؟

فقه مبارزه با دشمنان متجاوز و اشغالگر و دفع تجاوز از بلاد اسلامی را با هر وسیله‌ای مجاز می‌دانند.^{۵۰} عملیات استشهدادی نیز وسیله و روشی برای مبارزه با دشمنان متجاوز و اشغالگر است و هدف از آن ضربه زدن به دشمن متجاوز و سلب امنیت از آنها و در نهایت اخراج آنها از سرزمین اسلامی است، پس باید مجاز باشد.

در پایان این بحث برای تأیید جواز عملیات استشهدادی و ادله مشروعیت آن مناسب است نظرات بعضی از فقهای معاصر شیعه را در این زمینه بیان کنیم.

آرای بعضی از فقهای معاصر شیعه درباره مشروعیت عملیات استشهادی

با توجه به اینکه عملیات شهادت طلبانه یک پدیده نوظهور و از مسائل مستحدثه است، در منابع فقهی بحثی درباره آن نیامده است. نگارنده با چند تن از فقهای معاصر شیعه مکاتبه کرده و استفتائاتی را درباره حکم شرعی و ادله فقهی عملیات استشهادی از آنها طلب نموده است. اینک نظرات برخی فقها را که از طریق استفتاء و منابع دیگر به دست آمده به عنوان تأییدی بر ادله نقلی و عقلی مذکور بیان می‌کنیم.

علامه سید محمد حسین فضل الله درباره حکم شرعی و دلیل مشروعیت عملیات استشهادی چنین می‌گوید:

عملیات استشهادی ابزاری برای جهاد در برابر دشمن است. خداوند جهاد را بر مسلمانان واجب کرده است. در صورتی که شروط شرعی جهاد تحقق یابد، باید با استفاده از همه ابزارهایی که به دشمن زیان می‌رساند و اهداف اسلام را تأمین می‌کند به جهاد پرداخت. خداوند ابزار مشخصی برای جهاد قرار نداده است، بلکه تشخیص این ابزار را بر عهده ولی امری گذاشته که نبرد را هدایت می‌کند. او باید شیوه‌های متعارف جهاد را به کار گیرد و از شیوه‌های غیر متعارف که پیروزی مسلمانان یا دفع ضرر از آنان متوقف بر آن باشد، در صورت لزوم استفاده کند. دستگاه رهبری شرعی است که ضرورت چنین کاری را تشخیص می‌دهد و مجاهدان را به انجام آن توجه می‌دهد و یا به استفاده از هر ابزار جهادی دیگر فرا می‌خواند. دستگاه رهبری هم برای تشخیص این وضع باید به اهل خبره رجوع کند، پس از بررسی و در صورت ضرورت دستور اقدام به آن را صادر می‌کند. بنابراین نظر ما این است که همان دلیلی که به جهاد مشروعیت بخشیده به عملیات استشهادی، در صورتی که وضعیت نظامی مثبت بودن آن را نشان دهد مشروعیت داده است.^{۵۱}

از مطالب ایشان نکات ذیل فهمیده می‌شود:

- عملیات شهادت طلبانه یک شیوه جهادی است؛

- تشخیص انجام آن بعد از مراجعه به اهل خبره و بررسی کارشناسانه بر عهده ولی امر و رهبری شرعی است؛

- در صورتی از این شیوه استفاده می‌شود که دیگر شیوه‌های جهادی کارساز نباشد؛

- در صورتی از این نوع عملیات استفاده می‌شود که پیروزی مسلمانان یا دفع ضرر از آنان

متوقف بر آن باشد؛

- دلیل مشروعیت آن همان ادله جهاد است.

پیام امام خمینی درباره شهید محمد حسین فهمیده نیز بیانگر جواز عملیات شهادت طلبانه علیه دشمنان متجاوز است. متن پیام ایشان چنین است:

رهبر ما آن طفل دوازده ساله ای است که با قلب کوچک خود که ارزشش از صدها زبان و قلم ما بزرگ تر است، با نارنجک خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم کرد و خود نیز شربت شهادت نوشید. ۵۲

نکته در خور توجه در پیام این است که ایشان ضمن اشاره به چگونگی عمل شهید فهمیده که یک عملیات شهادت طلبانه است، آن را ستایش کرده و از آن شهید نوجوان به عنوان «رهبر» یاد فرماید. یاد کردن آن شهید به این عظمت و بزرگی، نشان دهنده تأیید عمل او و جواز عملیات شهادت طلبانه علیه متجاوزان و اشغالگران است.

آیت الله فاضل لنکرانی در پاسخ به چند استفتاء درباره مشروعیت عملیات استشهادی مجاهدان فلسطینی علیه نظامیان متجاوز اسرائیل می گوید:

... و بر فرزندان اسلام در فلسطین اشغالی و سرزمینهای لبنان بلکه بر همه فرزندان اسلام، جهاد و مقاومت و آمادگی در مقابل آنان [متجاوزین اسرائیلی] به هر نحوی که می توانند، واجب است و حد و مرزی ندارد. ۵۳

ایشان در جای دیگر می گوید:

مسأله فلسطین مسأله دفاع است، و دفاع از خود و حریم و ناموس و کیان اسلام به هر نحوی که باشد جایز است. ۵۴

آیت الله نوری همدانی نیز عملیات استشهادی را یک نوع جهاد دانسته و مانند کار شهید محمدحسین فهمیده می داند و معتقد است که ادله جهاد شامل این نوع عملیات می شود و مشمول تشخیص ضرورت انجام این نوع عملیات را کسانی می داند که به اوضاع دشمنان اسلام واقف اند، ۵۵ ایشان می گوید: «عملیات استشهادی جایز و یک نوع جهاد در راه خداست. ۵۶»

آیت الله گرامی درباره مشروعیت و دلیل جواز عملیات استشهادی می گوید:

اگر طرد دشمن بدون عملیات استشهادی ممکن نباشد، ظاهراً جایز است... بعید نیست که مطلقاً دفاع و جهاد از باب اهم و مهم دلیل جواز عملیات شهادت طلبانه باشد، گرچه در

زمان معصومین (ع) موردی نداریم که کسی چنین عملی انجام داده باشد و مورد تأیید معصوم قرار گرفته باشد، لیکن با همه این احوال عقل و عرف عملیات استشهادی را در صورتی که هیچ راه دیگری برای دفع دشمن [متجاوز] نباشد، مصداق دفاع می‌داند و مورد حدیث «مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ وَ مَنْ قُتِلَ دُونَ عَرَضِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ» می‌شمارد.^{۵۷}

آیت الله نمازی در این باره می‌گوید:

عملیات استشهادی با تعریف و شرایط ویژه خود جایز است و از مصادیق جهاد دفاعی است، در جهاد دفاعی اذن امام معصوم (ع) و یا ولی فقیه لازم و شرط نیست. با تحقق شرایط، وجدان عمومی عملیات را یک ضرورت دفاعی می‌شمارد، همان گونه که اکنون شرایط در فلسطین ضرورت آن را ترسیم می‌کند.

ادله فقهی جواز عملیات استشهادی از نظر ایشان عبارت اند از: «۱. عقل ۲. اطلاق ادله جهاد از آیات و روایات؛ ۳. وجوب دفاع از حوزه اسلام و مسلمین؛ ۴. وجوب دفاع از تعرض دشمنان به اموال و نوامیس مسلمانان».^{۵۸}

همچنین آیت الله مؤمن درباره عملیات استشهادی می‌گوید:

عملیات مزبور مصداق حمله جهادی است که به شهادت حمله کننده می‌انجامد. بنابراین اگر امکان حمله‌ای که معلوم نیست به شهادت منتهی شود نباشد، جایز؛ بلکه چه بسا واجب است. و درباره دلیل فقهی آن می‌گوید: جمع بین ادله جهاد و وجوب حفظ جان آنرا اقتضاء دارد. و درباره مسئول تشخیص انجام آن می‌گوید: «تشخیص اهل خبره و اطلاع از جریان امر کافی است».^{۵۹}

از مجموع فتاوی و آرای مذکور فهمیده می‌شود که اکثر فقهای معاصر عملیات استشهادی را جایز و مطلقات آیات و روایات جهاد و دفاع و همچنین عقل (قاعده اهم و مهم) را دلیل جواز و مشروعیت این نوع عملیات استشهادی می‌دانند.

نتیجه

از آنچه گذشت، می‌توان به نتایجی رسید که در پی می‌آیند:

۱. همه موجودات مجهز به نوعی از وسایل دفاعی اند و آمادگی دفاعی جزء طبیعت آنها است. از این رو، دفاع انسانها از خود، ناموس، وطن و دین خود، امری فطری، طبیعی و عقلی است. البته

ابزار دفاعی انسانها متنوع است. اسلام نیز که دینی فطری است، به مسلمانان فرمان داده است برای دفاع از خویش، آمادگیهای لازم را کسب کنند.

۲. جهاد دفاعی با توجه به مقتضیات زمان و مکان و با توجه به امکانات دفاعی هر قوم و ملتی با ابزار و روشهای گوناگون انجام می‌پذیرد و مصادیق مختلف دارد. عملیات شهادت طلبانه نیز مصداقی از مصادیق جهاد دفاعی و یک روش و تاکتیک دفاعی است که مجاهدین مسلمان علیه دشمنان متجاوز و اشغالگر در شرایط خاصی به کار می‌گیرند.

۳. آنچه در جهاد دفاعی ملاک و هدف است، دفاع از کیان اسلام و مسلمین و اعتلای کلمه حق است نه کیفیت و نحوه مبارزه و شهادت. مجاهد مسلمان برای رسیدن به هدف مذکور مبارزه می‌کنند و لذا چه به دست خود و چه به دست دشمن کشته شود، شهید محسوب می‌شود و «ید قاتله» تأثیری در حکم شهادت و جواز عملیات شهادت طلبانه ندارد.

۴. عملیات شهادت طلبانه با توجه به اهمیت حفظ نفس زمانی انجام می‌شود که با دیگر ابزار و روشهای دفاعی معمول و متعارف نتوان تجاوز را دفع کرد و مرجع تشخیص جواز این نوع عملیات رهبر شرعی است و او براساس نظر کارشناسان و اهل خبره به جواز عملیات حکم می‌کند.

۵. مطلقاً آیات و روایات جهاد دفاعی و اهمیت و ارجحیت دفاع بر حفظ نفس و جواز کشتن متّرس، بر جواز عملیات شهادت طلبانه علیه دشمنان متجاوز و اشغالگر دلالت می‌کند. اکثر فقهای معاصر شیعه معتقدند، ادله جهاد و دفاع شامل این نوع عملیات می‌شود، در تراحم بین وجوب دفاع از اسلام و مسلمین که یک مصلحت نوعی است و وجوب حفظ نفس که یک مصلحت شخصی است، وجوب دفاع اهم و ارجح است. از این رو، عملیات شهادت طلبانه، که یک روش و مصداق دفاعی است، اهم و مقدم بر حفظ نفس است و ادله حرمت قتل نفس منصرف از آن است.

۶. عملیات شهادت طلبانه با انتحار و عملیات انتحاری، که علیه شهروندان و انسانهای بی گناه انجام می‌شود، متفاوت است. انتحار، خودکشی بدون دلیل و مجوز شرعی و عقلی است و مسئله‌ای شخصی است که برای امور دنیوی انجام می‌شود و لذا از نظر اسلام حرام است و ادله حرمت قتل نفس شامل آن می‌شود. عملیات انتحاری نیز که علیه انسانهای بی گناه انجام می‌شود، نوعی انتحار و خودکشی است؛ ولی عملیات استشهادی به قصد دفاع از اسلام و مسلمین و دفع تجاوز از بلاد اسلامی انجام می‌شود و مجری آن مجاهد فی سبیل الله است. اسلام و عقلای عالم، عامل عملیات استشهادی علیه دشمنان متجاوز و اشغالگر را ستایش می‌کنند و او را شهید در راه خدا می‌دانند؛ ولی فرد منتحر را سرزنش می‌کنند و او را مستحق عذاب الهی می‌دانند.

محضر مبارک حضرت آیت‌الله العظمی نوری همدانی دام ظلّه العالی سلام علیکم
پس از عرض سلام و ادب و آرزوی سلامتی برای حضرتعالی مستدعی است نظر مبارک را در
رابطه با مسائل ذیل مبذول فرمائید:

۱ - حکم شرعی عملیات استشهادی چیست؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
سپرزاسام در مورد خود - ان شاء الله تعالی - و کفر حجج است

۲ - آیا عملیات استشهادی به عنوان اولی حرام است اما ولی امر و ولی فقیه از سبب عنوان
ثانوی آنرا جایز می‌دانند؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
هائظو که کفر است کفر حجج است

۳ - مسئول تشخیص ضرورت انجام عملیات استشهادی کیست؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
کسانی که با اوضاع مبارزه و جهاد و با اوضاع دشمنان اسلام کفر میکنند
توجهت و لزوم آنرا تعیین میکنند
مرکز تحقیقات و امور علوم

۴ - ادله فقهی جواز عملیات استشهادی چیست؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ادله جهاد من علی آن مشور
نور همدانی

۵ - تفاوت انتحار با عملیات استشهادی در موضوع و حکم چیست؟

جهاد در راه خدا با خود کسی موضوعاً حکماً فرق دارد

سین نور همدانی

۶ - آیا ادله جهاد شامل عملیات استشهادی نیز می‌شود؟

لا حول و لا قوة الا بالله العلی

سال پنجم - شماره ۱۸

محضر مبارک حضرت آیت‌الله مؤمن سلام علیکم
پس از عرض سلام و ادب و آرزوی سلامتی برای حضرت‌تعالی مستدعی است نظر مبارک را در
رابطه با مسائل ذیل مبذول فرمائید:

۱ - حکم شرعی عملیات استشهدای چیست؟

سؤال: عملیات استشهدای در صورتیکه در راهی انجامند یا در این گره‌ها که معلوم نیست؟
سؤال: عملیات استشهدای در صورتیکه در راهی انجامند یا در این گره‌ها که معلوم نیست؟

۲ - آیا عملیات استشهدای به عنوان اولی حرام است اما ولی امر و ولی فقیه از باب عنوان
ثانوی آنرا جایز می‌دانند؟

سؤال: عملیات استشهدای در صورتیکه در راهی انجامند یا در این گره‌ها که معلوم نیست؟

۳ - مسئول تشخیص ضرورت انجام عملیات استشهدای چیست؟

سؤال: عملیات استشهدای در صورتیکه در راهی انجامند یا در این گره‌ها که معلوم نیست؟

۴ - ادله فقهی جواز عملیات استشهدای چیست؟

سؤال: عملیات استشهدای در صورتیکه در راهی انجامند یا در این گره‌ها که معلوم نیست؟

۵ - تفاوت انتحار با عملیات استشهدای در موضوع و حکم چیست؟

سؤال: عملیات استشهدای در صورتیکه در راهی انجامند یا در این گره‌ها که معلوم نیست؟

۶ - آیا ادله جهاد شامل عملیات استشهدای نیز می‌شود؟

پاسخ: عملیات استشهدای در صورتیکه در راهی انجامند یا در این گره‌ها که معلوم نیست؟
۱۳۸۴/۱۲/۱۴
۱۴۲۵، سؤال ۱۴۲۵

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی گرامی سلام علیکم

پس از عرض سلام و ادب و آرزوی سلامتی برای حضرتعالی مستدعی است نظر مبارک را در رابطه با مسائل ذیل مبذول فرمائید:

۱ - حکم شرعی عملیات استشهدی چیست؟

سپید با کمر در زمین بدون آن ممکن نباشد، ظاهر جایز است و این سند ندارد، سید الخراز است و هیچ سندی از آنرا نمانده است. واجب باشد و در این مورد آن نباشد و فرض هم بر جایز است پس باید واجب باشد تا نماند و در جواب، تحقق پیدا کرد.

۲ - آیا عملیات استشهدی به عنوان اولی حرام است اما ولی امر و ولی فقیه از باب عنوان ثانوی آنرا جایز می داند؟

سپید با استسکانات علیه حکم میکند که وقتی در زمین ترکتش بر آن، مشروط است، بین صدقات و نماند و در جواب، اگر چه با سید میر میر با حکم ولی فقیه جایز است. اگر استن خوار یا دیگران حرام است، بگفته اول فقیه شیطان او را با خبر است.

۳ - مسئول تشخیص ضرورت انجام عملیات استشهدی کیست؟

سپید با در نماند نفس غیر نفس، در نماند از نماند و نماند است، است در این تمسک، از اولی فقیه است، اگر چه نفس هم همین است و سید با طبق تعیین خود عمل میکند.

۴ - ادله فقهی جواز عملیات استشهدی چیست؟

سپید با بعد از آنکه در نماند است و نماند است، از باب اولی فقیه است، اگر چه در نماند است و سید با بعد از آنکه در نماند است و سید با بعد از آنکه در نماند است، از باب اولی فقیه است، اگر چه در نماند است و سید با بعد از آنکه در نماند است.

۵ - تفاوت انتحار با عملیات استشهدی در موضوع و حکم چیست؟

سپید با در نماند است و نماند است، از باب اولی فقیه است، اگر چه در نماند است و سید با بعد از آنکه در نماند است.

۶ - آیا ادله جهاد شامل عملیات استشهدی نیز می شود؟

سپید با در نماند است و نماند است، از باب اولی فقیه است، اگر چه در نماند است و سید با بعد از آنکه در نماند است.

کتابخانه
۸۵/۶/۸۵



محضر مبارک حضرت آیت‌الله عبدالنبی نمازی سلام علیکم

پس از عرض سلام و ادب و آرزوی سلامتی برای حضرت تعالی مستدعی است نظر مبارک را در

رابطه با مسائل ذیل می‌ذول فرمائید:

۱ - حکم شرعی عملیات استشهدی چیست؟

علیه استشهادهای با تعریف و شرایط و شرایط خود

جایز است

۲ - آیا عملیات استشهدی به عنوان اولی حرام است اما ولی امر و ولی فقیه از باب

عنوان ثانوی آنرا جایز می‌دانند؟ علیه استشهادهای

از مصارف چهاردهگانه است، در چهاردهگانه اذن امام معصوم علیه السلام
و یا ولی فقیه لازم و شرط نیست

۳ - مسئول تشخیص ضرورت انجام عملیات استشهدی چیست؟

آنچه ملاک جواز عملیات استشهادهای است
است، با تحقق شرایط و حدان عمومی علیه را یک ضرورت دفاعی
می‌تواند که استخوان شرایط در نظر فقیه است و از طریق می‌تواند

۴ - ادله فقهی جواز عملیات استشهدی چیست؟

۱ - عقل ۲ - اطلاق ادله جهاد از آیات
و روایات ۳ - وجوب دفاع از حمزه اسلام و سلب حق و حقوق
دفاع از تعرض دشمنان با مرال و نواهد مسلمانان

۵ - تفاوت انتحار با عملیات استشهدی در موضوع و حکم چیست؟

انتحار عمدی عرض در رایج آن خودکشی
است و دارای بار آزرشی نیست، عملیات استشهادهای با تمام وجه قابل
و اینهم مرکز و شریک و دشمن تقابله علیه اسلام و سلب حق است که کمال
حرکت و محل آزرشی و قابل با نظام و تقابله

۶ - آیا ادله جهاد شامل عملیات استشهدی نیز می‌شود؟

علیه استشهادهای از مصارف جهاد
مستحب می‌گردد و جهاد دفاعی یکی از مصارف جهاد فی سبیل الله است
بنابراین اطلاق ادله جهاد شامل عملیات استشهادهای می‌گردد

عبدالله نمازی
۸۳/۴۵

پی‌نوشتها:

۱. طوسی، ابوجعفر محمد، المبسوط فی فقه الامامیه، المكتبة المرتضویه، ج ۲، ص ۸.
۲. ولا تتلوا انفسکم (نساء، ۲۹) ولا تلتوا بايديکم الى التهلكة (بقره، ۱۹۵).
۳. امام صادق (ع) می‌فرماید: «من قتل نفساً متعمداً فهو فی نار جهنم خالداً فيها». (صدوق، ابوجعفر، محمد، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، چاپ دوم، قم، جامعه المدرسین، ۱۴۰۴ هـ. ق. ص ۹۵).
۴. یکی از احکام قطعی عقل و جوب دفع مضار از نفس است. براساس این حکم عقلی، انسان باید از هر چیزی که تهدیدی برای جان اوست پرهیز نماید.
۵. فیروز آبادی، مجد الدین محمد، القاموس المحیط، جزء ۲، بیروت، المؤسسة العربیة للطباعة و النشر، ص ۹۱.
۶. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، ج ۵، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۶۵، ص ۱۵۷.
۷. ورعی، سید جواد، مبانی فقهی عملیات شهادت‌طلبانه، نشریه حکومت اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۷، بهار، ص ۱۳۸۲، ۳۱۹.
۸. دستغیب، عبدالحسین، گناهان کبیره، ج ۱، کانون اندیشه‌های اسلامی، ۱۳۶۱ هـ. ش. ص ۱۰۵.
۹. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۶۷، چاپ سوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ. ق. ص ۲۱۰.
۱۰. فضل الله، سید محمد حسین، فقه زندگی، ترجمه مجید مرادی، دار الملائک، ۱۳۸۰ هـ. ش. ص ۱۳۳-۱۳۴.
۱۱. نوری همدانی، حسین، جوابیه استفتاء، ضمیمه ت.
۱۲. مؤمن، محمد، جوابیه استفتاء، ضمیمه ج.
۱۳. گرامی، محمد علی، جوابیه استفتاء، ضمیمه پ.
۱۴. نمازی، عبدالنبی، جوابیه استفتاء، ضمیمه د.
۱۵. کشتن دیگران همزمان با کشتن خویشان.
۱۶. سوره انفال، آیه ۶۰.
۱۷. قاضی، ابن براج، المهدب، ج ۱، ص ۴۹۲.
۱۸. طبرسی، ابوعلی فضل، تفسیر مجمع البیان، ج ۳، جزء دهم، بیروت، منشورات دار مکتبه الحیاء، ص ۱۷۰.
۱۹. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، چاپ سوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ هـ. ق. ص ۱۳۰-۱۳۱.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۷، طهران، انتشارات دار الکتب الاسلامی، ص ۲۲۱ و ۲۲۲.
۲۱. مانند پیروزی ملت مسلمان الجزایر بر نیروهای اشغالگر فرانسه و پیروزی مردم مسلمان لبنان بر نیروهای متجاوز و اشغالگر اسرائیل و پیروزی ملت مسلمان ایران بر ارتش متجاوز رژیم بعث عراق.
۲۲. طباطبایی، محمد حسین، همان، ص ۱۱۶-۱۱۷.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، همان، ص ۲۲۵.
۲۴. قمی، میرزا ابوالقاسم، جامع الشتات، ج ۱، مؤسسه کیهان، ۱۳۷۱ هـ. ش. ص ۳۹۳.
۲۵. سوره توبه، آیه ۱۱۱.
۲۶. طباطبایی، سید علی، ریاض المسائل، ج ۱، چاپ قدیم، ص ۴۷۸.
۲۷. قاضی، ابن براج، همان، ص ۲۹۲.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، همان، ج ۸، ص ۱۴۷ و ۱۴۸.
۲۹. سوره بقره، آیه ۲۰۷.
۳۰. فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۵، چاپ دوم، تهران، دارالکتب العلمیة، ص ۲۰۴.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، همان، ج ۲، ص ۴۷-۴۹.
۳۲. کلینی، ابوجعفر محمد، فروع کافی، ج ۵، چاپ سوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ. ق. ص ۵۳.

۳۳. شیخ حر عاملی، محمد، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۵، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ص ۱۲.
۳۴. کلینی، ابوجعفر محمد، همان، ص ۵۳.
۳۵. قاضی، ابن براج، همان، ص ۲۹۲.
۳۶. طوسی، ابوجعفر محمد، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۵۷.
۳۷. شیخ حر عاملی، پیشین، ص ۱۲۰.
۳۸. کلینی، همان، ص ۵۲.
۳۹. فیض، علیرضا، مبادی فقه و اصول، چاپ یازدهم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، ص ۱۹۴.
۴۰. مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، ج ۲، جزء سوم، چاپ دوم، نجف، مطابع دار النعمان، ۱۳۸۶ هـ. ش، ص ۲۱۹.
۴۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، جزء اول، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ص ۴۸۵.
۴۲. همان، ص ۴۸۷.
۴۳. قیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، جزء یک، چاپ ۱۳۴۷ هـ. ق، ص ۹۲.
۴۴. تکروری، نواف هایل، العمليات الاستشهادیه فی المیزان الفقہی، چاپ دوم، دمشق، دار الفکر، ۱۹۹۷ م، ص ۹۳.
۴۵. علامه حلی، منتهی المطلب، جلد دوم، چاپ قدیم، ص ۹۱۰.
۴۶. مقدس اردبیلی، احمد، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذعان، ج ۷، (قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۹ هـ. ق)، ص ۴۵۳.
۴۷. خونی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۷۱.
۴۸. مرتدی، مهدی، جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی، بنیان، دفتر بیست و چهارم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ هـ. ش، ص ۱۸۶.
۴۹. حلی، نجم الدین جعفر، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جزء چهارم، (قم، دارالهدی للطباعة و النشر)، ص ۹۷۶، و دیگر کتب فقهی.
۵۰. امام خمینی، تحریر الوسیله، ص ۴۸۵.
۵۱. فضل الله، سید محمد حسین، همان، ص ۱۳۳ و ۱۳۴.
۵۲. امام خمینی(ره)، صحیفه نور، ج ۱۴، مرکز مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۶۰.
53. <http://www.balagh.net/persian/feqh/foqaha>.
54. <http://www.lankarani.org/persian/ahkam.new-estefta.htm>.
۵۵. نوری همدانی، همان.
۵۶. روزنامه شرق، شنبه، اول اردیبهشت، ۱۳۸۴ هـ. ش، شماره ۴۵۶، ص ۲.
۵۷. محمد علی گرامی، همان.
۵۸. عبدالنبی نمازی، همان.
۵۹. محمد مؤمن، همان.